



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

بررسی وضعیت نوین فرهنگی، اجتماعی شیعیان عراق

حسین اکبری؛ دکتر احسان امین؛ جمال ابراهیمی

سلسله
نشست‌های
تخصصی

۲۸



بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق

سخنرانان

حسین اکبری، احسان امین، جمال ابراهیمی

پژوهشکده ارتباطات میان فرهنگی و بین الملل



پژوهشکده ارتباطات
و بین الملل



پنجشنبه ۱۳۸۹ خرداد ماه
وزارت فرهنگ، هنر و ارتباطات

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

سخنرانان: حسین اکبری، احسان امین، جمال ابراهیمی

نوبت چاپ: اول - آبان ۱۳۸۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است؛

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (صبح)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵، تلفن: ۸۸۹۱۹۱۷۷، دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶، Email: nashr@ricac.ac.ir

سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در راستای اهداف و وظایف خود اقدام به برگزاری نشست‌هایی با موضوع‌های مختلف در حوزه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌نماید تا از این رهگذر فضای گفت‌وگو و تبادل نظر میان نخبگان فرهنگی کشور، نقد و بررسی مسائل و مشکلات مبتلابه جامعه فراهم آید.

گزارش پیش‌رو، نتیجه نشست علمی - تخصصی است که از سوی گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام پژوهشکده ارتباطات میان فرهنگی و بین‌الملل در پژوهشگاه برگزار شده است.

یادآوری می‌شود، مطالب مطرح شده از سوی سخنرانان، لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های پژوهشگاه نیست.

مقدمه

در گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام علاقه‌مند به بررسی موضوع‌های مختلف مرتبط با جهان اسلام و به‌ویژه تحولات در کشورهای همسایه هستیم. البته با توجه به فعالیت‌های علمی - پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، سوی‌گیری‌ها و تمرکز ما نیز در این گروه بیشتر بر مسائل فرهنگی است و اگر سایر تحولات را مطالعه کنیم عطف توجه‌مان بیشتر بر تأثیر تحولات مزبور بر فضاهاى فرهنگى کشورهاست.

حجم انبوه مطالعات انجام شده در مورد کشور همسایه، عراق، در سال‌های گذشته و بویژه پس از اشغال این کشور توسط نیروهای اشغالگر موسوم به نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده آمریکا روی حوزه سیاست و مسائل امنیتی متمرکز بوده است؛ به‌طوری که اولویت مسائل سیاسی و امنیتی در این

۸ ■ سلسله نشست‌های علمی - تخصصی

کشور باعث شده تا سایر حوزه‌هایی که نیاز به مطالعه، بحث و بررسی داشته‌اند، مغفول واقع شود که از جمله این حوزه‌ها وضعیت فرهنگی - اجتماعی جامعه عراق و بویژه شیعیان این کشور است.

در علم سیاست، گرایشی با عنوان جامعه‌شناسی سیاسی وجود دارد که هدف آن کالبد شکافی فضای سیاست در سه حوزه است؛ نخست حوزه رفتارشناسی سیاسی است که در آن تلاش می‌شود تا عوامل مؤثر بر رفتار سیاسی افراد و جامعه شناسایی بررسی شود. دوم، حوزه مطالعات تبیین‌کننده رابطه نیروهای اجتماعی و سازمان‌های سیاسی با دولت است که بحث احزاب سیاسی و گروه‌های ذی نفوذ در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد. با این توضیح که نیروهای اجتماعی در هر کشور به طور معمول پیرامون شکاف‌های اجتماعی جامعه شکل می‌گیرد که این شکاف‌ها بنا به پیشینه‌های تاریخی، شرایط ساختاری و نظایر آن ممکن است تحت تأثیر عوامل موجد گسستی نظیر: مذهب، قومیت، نژاد، گویش، طبقه و جز آن باشد؛ بنابراین نیروهای اجتماعی حول محور چنین شکاف‌هایی

شکل می‌گیرد و احیاناً به خود سازمان می‌دهد و با تجمیع منابع قدرت تلاش می‌کند فضای سیاست را در قالب احزاب سیاسی با گروه‌های ذی نفوذ تحت تأثیر قرار دهد. حوزه سوم مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی بر دولت متمرکز است و تلاش می‌کند تا ببیند صاحبان قدرت در دولت چه ویژگی‌ها، سوابق، علائق و تعلقاتی دارند و همچنین رابطه آنها به شکل سازمانی با طبقات اجتماعی و نیروهای اجتماعی چیست؟ ما می‌خواهیم بدانیم وضعیت اجتماعی عراق در حال حاضر چگونه است؟ طبقات اجتماعی به چه شکل شده‌اند و بحث مشاغل، درآمد و سلسله مراتب شغلی و اجتماعی در عراق دچار چه تحولاتی شده است؟ همچنین فرایند جامعه‌پذیری بویژه جامعه‌پذیری سیاسی، وضعیت جامعه مدنی و

۹ ■ بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق

نهادهای معرف آن، امنیت اجتماعی، آسایش، اوقات فراغت، وضعیت آموزش عالی و متوسطه، وضعیت تأمین اجتماعی و بیمه‌ها، سرویس‌ها و خدمات اجتماعی، وضعیت پلیس، امداد و نجات چگونه است؟

علی‌رغم آنکه می‌دانیم گروه‌های سیاسی اهل سنت و نیز گرایش‌های مختلف سیاسی میان شیعیان و نیروهای شکل گرفته حول محور قومیت عرب و کرد به شدت فضای سیاسی را متأثر از اقدام‌های خود کرده‌اند، اما اطلاع دقیقی از رابطه نیروهای اجتماعی و سازمان‌های سیاسی با فضای سیاست و تأثیرگذاری‌شان بر نهاد قدرت و دولت نداریم. قسمت دوم مباحث نشست بر مسأله فرهنگ و بویژه فرهنگ سیاسی متمرکز است. موضوع دین، مذهب، باورهای مذهبی، ارزش‌های دینی، حضور در مراسم و آیین‌های مذهبی و شعائر دینی در فرهنگ کشور عراق چه تأثیری دارد و همچنین اگر رسانه‌ها را عنصری مهم در تکوین ابعاد متنوع فرهنگ و تحولات آن بدانیم این رسانه‌ها اعم از رسانه‌های مکتوب (کتاب و نشریه‌ها)، رسانه‌های دیداری و شنیداری، رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌های ماهواره‌ای و صنعت سینما در حال حاضر در عراق چه وضعیتی دارد و چگونه جامعه را از فعالیت‌های خود متأثر می‌سازد؟ همچنین بحث هویت ملی و ملت‌سازی در عراق دچار چه بحران‌هایی است و چگونه می‌توان تعلقات مذهبی و قومیتی را در یک فضای ملی مستحیل کرد و موضوع وحدت ملی در عراق در سال‌های اخیر به چه صورت درآمده است؟

در نشست علمی - تخصصی حاضر که با حضور حسین اکبری، دکتر احسان امین و جمال ابراهیمی برگزار شده است، تلاش شده تا درباره وضعیت فرهنگی - اجتماعی عراق و بویژه «شیعیان» در سال‌های پس از اشغال و سقوط صدام بحث شود تا فتح بابی باشد برای سایر محققان که در خصوص ابعاد این

وضعیت، بررسی و کنکاش علمی کنند.

«اکبری» جدای از دارا بودن سمت معاونت عتبات عالیات سازمان حج و زیارت، بیش از ۱۵ سال است درباره عراق مطالعه می‌کند و کتاب‌ها و مقاله‌های منتشر شده متعددی در این زمینه دارد؛ دکتر «احسان امین» مدیرعامل مؤسسه البلاغ و دارای فعالیت‌های فرهنگی، علمی و پژوهشی در حوزه معارف دینی است و «جمال ابراهیمی» نیز که از کارشناسان ارشد موضوع‌های مرتبط با عراق است، گاه فعالیت‌های اجرایی نیز در کشور عراق بر عهده داشته است که در مورد وضعیت نوین اجتماعی - فرهنگی عراق صحبت خواهد کرد.

پژوهشکده مطالعات میان‌فرهنگی و بین‌الملل

گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق (۱)

حسین اکبری^۱

موضوع‌های مربوط به عراق دامنه گسترده‌ای دارد. امروز حساس‌ترین موضوع‌ها و تحلیل‌های سیاسی بین‌المللی به شکلی به عراق مرتبط است و شرایط عراق، بسیاری از موضوع‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را از خود متأثر ساخته است. موضوع وضعیت فرهنگی - اجتماعی عراق بویژه شیعیان این کشور بسیار مهم است و در جهان امروز با نگاه ویژه‌ای بدان توجه می‌شود. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر معادله‌های سیاسی جهان، بویژه اتفاقاتی که در سال‌های

۱. معاون عتبات عالیات سازمان حج و زیارت

اخیر در عراق رخ داده است - و شیعیان توانسته‌اند بر خلاف آنچه قدرت‌های بزرگ، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی کرده بودند، فعالیت‌های زیادی از خود نشان دهند و کرسی‌هایی مهم را در خانه قدرت کسب کنند - اهمیت این موضوع را افزایش داده است.

تلاش می‌کنم در این جلسه موضوع جنبش‌های شیعی را در عراق مطرح کنم و به پرسش‌های احتمالی پاسخ دهم.

پیرامون موضوع جنبش‌های شیعی و نظام سلطه در طول تاریخ در عراق می‌توان گفت که سابق بر این، منطقه بین‌النهرین - با سرزمین‌های دجله و فرات - حدود ۸۰۰ سال تحت سلطه ایران در زمان قبل از اسلام بود. در سال ۶۳۷م. مسلمانان به این منطقه حمله و آن را فتح می‌کنند. مرزهای عراق کنونی از ۱۹۲۰م. به بعد شکل گرفته است و براساس سرشماری و آمار انگلیسی‌ها در ۱۹۲۰م.، شیعیان ۵۵ درصد، اعراب سنی ۱۹ درصد و کردها حدود ۱۷ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند؛ با این توضیح که ۹۸ درصد از کردها نیز مذهب تسنن دارند. در سرشماری سال ۱۹۳۱م.، شیعیان ۵۵ درصد، اهل سنت ۲۲ درصد و کردها ۱۴ درصد ذکر شده‌اند. در سرشماری سال ۱۹۴۷م.، شیعیان، اهل سنت و کردها به ترتیب ۵۵ درصد، ۲۰ و ۱۸ درصد بوده‌اند و سرانجام در سرشماری سال ۱۹۸۲م.، شیعیان ۶۰ درصد و اهل سنت ۲۰ درصد و کردها ۱۶ درصد بوده‌اند.

نگاه به پیشینه‌های تاریخی درمی‌یابیم که تازه‌کیشان مسلمان عراق اعتقادشان این بود که دولت اموی و مرکزیت خلافت اسلامی خواسته‌هایی که سبب گرایش آنها به اسلام بوده است، انجام نمی‌دهد. بنابراین اختلاف‌هایشان شروع شد. انتقاد آنها به امویان این بود که اموی‌ها امت اسلامی را به نحو شایسته‌ای اداره با نمی‌کنند، اعراب ثروتمند، مالیات اسلامی و زکات نمی‌پردازند، برابری که جزء لاینفک

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق ■ ۱۳

اسلام است، رعایت نمی‌شود و نخبگان عرب از موقعیت ممتاز خود سوء استفاده می‌کنند. بنابراین از ابتدا مردم این منطقه با خلافت مشکل داشتند و جنگ صفین و جمل نیز بدین دلایل شکل گرفت و متعاقباً عراق مرکز تجمع شیعیان گردید. حادثه عاشورا نیز سبب گسترش جمعیت شیعیان شد.

سال‌ها بعد حکومت عباسیان و پس از آن مغول‌ها رفتاری بسیار خشن ضد شیعیان داشتند و حتی یهودی‌ها را بر آنها مسلط کردند. البته به دلیل توانمندی برخی بزرگان شیعه مانند علامه حلی، برخی از سلاطین مغول شیعه شدند و افکار شیعیان را رواج دادند. در مقطع تاریخی دیگر یعنی سال‌های ۷۰۳ تا ۷۱۶ هـ.ق عراق چندین بار بین صفویان و عثمانیان دست به دست شد تا سال ۱۷۳۵م. که عثمانی‌ها کاملاً بر بغداد مسلط شدند و حدود ۲۰۰ هزار نفر از شیعیان را کشتند. با اشغال عراق از سوی انگلیسی‌ها، شیعیان فرصت تنفسی یافتند اگرچه پس از مدتی کوتاه رهبران شیعه از جمله «آیت الله محمد تقی شیرازی» و «آیت الله ابوالحسن اصفهانی» مبارزه‌ای ضد انگلیسی‌ها آغاز کردند و به یک تعبیر شیعیان هم با عثمانی‌ها و هم با انگلیسی‌ها درگیر بودند و حاضر نشدند از یکی علیه دیگری استفاده کنند.

«فرانسوا توال» در کتاب «ژئوپلیتیک شیعه» بر این باور است که در قرن دهم، شیعیان حاکمیت گسترده‌ای در منطقه شامات، ایران، هند، پاکستان و خلیج فارس داشتند و در آن زمان منطقه آرامش خاصی داشت و سایر پیروان مذاهب دیگر از حقوق مناسبی برخوردار بودند. از قرن یازدهم برای مقابله با این حاکمیت، جریان وهابیت بنیان‌گذاری شد که توسط انگلیسی‌ها علیه شیعیان به‌کار گرفته می‌شود. البته باید متذکر شویم که در زمان حاکمیت فاطمیون بر مصر، وهابیت سرکوب و منطقه «الدرعیه» که مکان ظهور وهابیت بود با خاک یکسان شد. اما

انگلیسی‌ها دوباره جریان وهابیت را احیاء کردند و از خانواده سلطنتی عربستان که بیشتر وهابی بودند برای حکومت اردن، عراق و سوریه استفاده کردند تا شیعیان را در راستای تحقق اهداف خود کنترل نمایند.

بعد از این مقطع در سال ۱۹۵۳م. به دوران سلطه کمونیست‌ها می‌رسیم که علمای شیعه با آنها مخالفت کردند و مرحوم «آیت الله محمد حسین کاشف الغطاء» فتوای اعلام جنگ با آنها را صادر کرد. انگلیسی‌ها می‌خواستند از این جو برای منافع خود استفاده کنند، اما علمای شیعی علیه آنها نیز فتوا دادند و در واقع علما و شیعیان در دو جبهه مبارزه می‌کردند. بعدها ناسیونالیسم عربی مطرح شده در مصر به عراق راه پیدا کرد که آنها نیز با شیعیان مشکل داشتند و علما مجبور بودند هم علیه آنها و هم ضد کمونیست‌ها مبارزه کنند. از این رو در سال ۱۹۵۸م. برای مقابله با جریان‌های کمونیستی و ناسیونالیستی افراطی، حزب الدعوه به رهبری «آیت الله سید محمد باقر صدر» شکل گرفت و «آیت الله محسن حکیم» هم ایشان را حمایت کرد.

«فرانسوا توال» نوشته است از این زمان شیعیان با یک توانمندی و قابلیت جدید و با یک نگاه علمی به مسائل جامعه و دنیا وارد صحنه سیاست عراق می‌شوند و مرحوم «آیت الله صدر» با نگارش کتاب «فلسفه ما» و «اقتصاد ما» موضوع‌های ایدئولوژی اسلامی را مطرح می‌کند.

در مقطع بعدی (سال ۱۹۶۳م.) حزب بعث با حمایت آمریکا و هماهنگی سازمان سیا، حکومت را به دست می‌گیرد و چند ماه بعد طرفداران «جمال عبدالناصر» کودتا می‌کنند و برادر بزرگ «عبدالعارف» را به حکومت می‌رسانند. سال ۱۹۶۴م. مجدد کودتا می‌شود و بعثی‌ها روی کار می‌آیند. با روی کار آمدن صدام و اعدام ۳۰ نفر از اعضای اصلی این حزب که مخالف آمریکا بودند و

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق ■ ۱۵

حذف جناح شرقی بعث، جناح غربی که مورد حمایت آمریکا بود برای صف آرایی در مقابل شیعیان قدرت را به دست می‌گیرد و با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، فشار آنها بر شیعیان بسیار افزوده می‌شود و ده‌ها هزار نفر را به ایران تبعید می‌کنند، به حوزه‌های علمیه حمله می‌کنند و صدها نفر را به قتل می‌رسانند یا به زندان می‌فرستند و در این مدت آمار طلبه‌های مدارس و حوزه‌های علمیه عراق به شدت کاهش می‌یابد و فشار مضاعفی علیه علما و مراجع شیعه شکل می‌گیرد.

نکته قابل توجه آن است که در طول تاریخ بین شیعیان ایران و عراق ارتباط پیوسته‌ای وجود داشته است و علی‌رغم توطئه‌های متعدد استعمار و قدرت‌های جهانی برای تفکیک دو کشور و تفرقه بین آنها - که جنگ تحمیلی هشت ساله نمونه آن بود - ارتباط بین مردم دو کشور باقی‌مانده و استمرار یافته است؛ همچنین تلاش‌های جمهوری خواهان آمریکا نیز در دوران اشغال عراق راه به جایی نبرده است. آنها نیز معتقدند که این به دلیل ارتباط گسترده شیعیان در دو کشور است. برای مثال «آیت الله سیستانی» - که هنوز شناسنامه عراقی ندارد - همه چیز را در عراق تعیین می‌کند و از سوی دیگر رئیس سابق قوه قضائیه در ایران که سال‌ها در عراق زندگی کرده است از مسئولان ارشد جمهوری اسلامی ایران است.

«فرانسوا توال» معتقد است با شرایط پیش آمده در منطقه پس از انقلاب اسلامی ایران، ژئوپلیتیک شیعه حائز اهمیت شده است و وضعیت آینده منطقه را قطعاً آنها مشخص خواهند کرد و آن به دلایل زیر است: اول آنکه شیعه نگاه متفاوتی از سایر مکاتب به آینده جهان دارد، دنیا را برای منافع خویش نمی‌خواهد، منتظر ظهور منجی است که به کمک بشر آمده و او را نجات می‌دهد.

بنابراین درحالی که سایر مکاتب، منافع محورند، شیعه معتقد به نجات جامعه بشری است. دوم آنکه شیعه در طول تاریخ تحت فشار، ظلم و ستم بوده، اما هرگز از بین نرفته است. سوم آنکه شیعه نگاهی فراملی، فراقومی و فرا مذهبی دارد، نگاه جهانی دارد و این مهم، منافع قدرت‌های بزرگ جهانی را تهدید می‌کند. نکته بعدی آن است که شیعیان، امروز منطقه خلیج فارس را - که ۷۵ درصد ذخایر انرژی دنیا را در خود جمع کرده است - در اختیار دارند و امروزه بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند دیگر زمان برخورد و درگیری با شیعیان سپری شده و به دلیل موقعیت و قدرت برتر آنها در منطقه باید راه‌هایی برای تعامل با شیعیان جستجو شود.

آمریکایی‌ها از آمدن به منطقه و اشغال عراق چهار هدف و سیاست استراتژیک را دنبال می‌کردند: اول همگن سازی قدرت‌های منطقه‌ای و حذف رقبا. دوم، امنیت انرژی. سوم، تثبیت قدرت حامی آمریکا در عراق و چهارم تحقق پروژه صلح خاورمیانه که امنیت اسرائیل را ضمانت کند. اما آنها در عمل با مشکلات عمده‌ای مواجه شدند. آمریکایی‌ها هرگز حاضر نبودند قدرت در عراق در اختیار شیعیان قرار گیرد. روند انتصاب‌های مسئولان آمریکایی را در عراق می‌توانید ملاحظه کنید، آمریکایی‌ها حاضر به برگزاری انتخابات و تصویب قانون اساسی با محتوای کنونی در عراق نبودند؛ اما عنایت خداوند و دقت نظر «آیت الله سیستانی» و مردم عراق فرایند حوادث سیاسی را به سوی برد که شرایط کنونی عراق را رقم زده است. «برمر» - حاکم آمریکایی در عراق پس از اشغال - در خاطرات خود در مورد «آیت الله سیستانی» می‌نویسند: «بزرگ‌ترین بحران سیاسی یا چالش و تنش طایفه‌ای یا مذهبی و نژادی در عراق با صدور برگه‌ای کوچک از دفتر آیت الله که امضاء و مهر او را داشته باشد حل می‌شود و جامعه را آرام می‌کند».

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق ■ ۱۷

در هر صورت حضرت «آیت الله سیستانی» و برجستگی نقش ایشان در تحولات سال‌های اخیر و حمایت شیعیان از فتوا و نظرات سیاسی وی باعث شده تا شیعیان قابلیت بسیار خوبی از خود نشان دهند. آنها در حال حاضر روابط بسیار خوبی نیز با ایران دارند که به سادگی، آمریکایی‌ها نمی‌توانند آن را خدشه‌دار کنند.

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق (۲)

احسان امین^۱

حکایتی نقل شده که اسکندر مقدونی در اشغال کشور عراق با مقاومت سرسختی از سوی مردم آن روبه‌رو شد و نتوانست اهداف خود را در مورد مردم عراق و خاک و جغرافیای آن محقق کند. گویا همین حکایت در عراق امروز تکرار شده است. لشکرها از ۳۲ کشور به نام نیروهای ائتلاف به عراق حمله و آن را اشغال کردند؛ اما در دستیابی به اهداف و مقاصد خود ناکام مانده‌اند و مجبور شده‌اند به کشورهای خود برگردند. بزرگ‌ترین مقاومت و ممانعت در مقابل آنها

۱. مدیر عامل مؤسسه البلاغ

مقاومت فرهنگی بوده است. به گفته برخی از نویسندگان حتی یک بیت شعر یا یک سطر نوشته‌ای از اهل قلم و نویسندگان نمی‌توان یافت که از اشغال استقبال کرده باشد. در حالی که صدها قصیده در «یاد وطن» سروده و نوشته شده است. عراق با پیشینه هزاران ساله تمدن بین‌النهرین از اولین آرمان‌های بشریت، دارای اولین قانون مدون و قدیمی‌ترین دستگاه موسیقی است و فهرستی بلند از ادبا، شاعران و نویسندگان دارد. با تمام فراز و نشیب‌ها، امواج جنگ‌ها و تخریب‌ها، عدم ثبات سیاسی و تغییرات متوالی در حکومت‌ها، عراق تاریخی درخشان از فعالیت‌های فرهنگی، آثار علمی، ادبی و نقش‌های وسیعی در رشد علم، فرهنگ، ادب و علوم دینی در جهان اسلام داشته است. یکی از ویژگی‌های بارز در فرهنگ و تاریخ عراق این است که این فرهنگ دارای منابعی متعدد و با فرهنگ‌های دیگر از حکمت شرق، هند و ایران گرفته تا فرهنگ روم و یونان، تعامل مثبت داشته است. عراق در قدیم و در تاریخ معاصر، مرکز ترجمه و تعلیم همه علوم و دانش‌های سرشار الهی و بشری بوده است. از اینرو فرهنگ عراق دارای تکثر و معنای چند بعدی می‌باشد، تکثری که از یک سو در ظهور اندیشه‌ها، فرقه‌های کلامی و اختلاف‌های دینی اثر مثبت و منفی داشته، اما از سوی دیگر در زمینه تولید فکر و آثار علمی - ادبی عامل ابداع و نوآوری بوده است.

بی‌ثباتی سیاسی در عراق در قدیم و زمان معاصر موجب شده که عالمان، ادیبان و حکیمان مجبور به مهاجرت و دوری از وطن شوند و همین امر باعث شده تا از دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، پیشرفت‌ها و تجربه‌ها دیگران از یک سو بهره گیرند و از سوی دیگر زمینه ترقی اندیشه را در دیگر کشورها در دوره‌های مختلف تاریخی فراهم کنند. یکی از نمونه‌های بارز این تعامل فرهنگی، همکاری

۲۱ ■ بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق

فرهنگی بین عراق و ایران به خصوص بعد از اسلام است. حضور دانشمندان یک کشور در کشور دیگر و رفت و آمدهای اندیشمندان بین بغداد و سایر مرزهای عراق، قم و تبریز در تعامل‌های فرهنگی بسیار نقش داشته است. برای مثال علمای عراق در شکل‌گیری حوزه قم و شیخ طوسی در تأسیس حوزه نجف نقش برجسته داشته‌اند. آن تبادل‌های فرهنگی به جایی رسیده است که نمی‌توان بین تاریخ فرهنگی و دینی دوره اسلامی بین دو کشور فاصله‌ای تصور کرد. علما و اندیشمندان دو کشور همیشه در حال تردد و حضور در حوزه‌های علمیه و مراکز علمی یکدیگر بوده‌اند. از نمونه‌های بارز تأثیر فرهنگی و تعامل‌های آنان می‌توان به نقش «بیت‌الحکمه» در دوره عباسی، «دارالعلم» «عضدالدوله بحیری»، «مدرسه امام صادق(ع)» با هزاران شاگرد در کوفه، حوزه هزار ساله «نجف»، «مدرسه نظامی بغداد»، «مکتب نحوی کوفه و بصره» و درخشش شاعران در زمان قدیم و در دوره معاصر اشاره کرد. برجسته‌ترین شعرای تاریخ عرب، متأثر از ایران بوده‌اند و علمای ایرانی آموزه‌های وسیعی از حوزه‌های علمیه در عراق داشته‌اند.

برای درک تأثیر اشغال، بر اوضاع فرهنگی عراق نگاهی گذرا به وضع فرهنگ در زمان حکومت بعثی لازم است. در زمان صدام، شاهد انحصار دولتی فرهنگ بودیم. تمامی رسانه‌های تبلیغاتی و فرهنگی همگانی در انحصار دولت بود و به همین دلیل، تعداد نشریه‌ها در زمان صدام از جمله روزنامه‌ها و مجله‌ها بیش از ۱۰ نشریه نبود و از نظر رسانه‌های عمومی حدود ۵ رسانه شامل تلویزیون و رادیو کاملاً در انحصار دولت بود. از شروع حکومت بعث، نابودی مراکز فرهنگی غیر دولتی آغاز شد و به خصوص مراکز دینی تخریب گردید؛ مثلاً در شهر کربلا بعد از انتفاضه سال ۱۹۹۱م. ۷۸۰ حسینیه با دینامیت منهدم شد و از ۳۰ مدرسه و حوزه دینی که در کربلا بود، فقط یک مدرسه مخروبه از زمان صدام باقی مانده

بود. چنین آمارى درباره حوزه نجف و كاظمين نيز وجود دارد. اختناق، هر صدای آزاد بويژه از ناحیه علمای مذهبی را خاموش می‌کرد و اعدام‌های سیاسی، زندان و تبعید بر همه اقشار روشنفکری اعمال می‌شد. این فشار نیز باعث شد هزاران اديب، نویسنده و اهل علم به کشورهای مختلف هجرت کنند. در واقع می‌توان گفت همان اوضاع فرهنگی و ادبی که کشورهای کمونیستی در زمان صدام داشتند، بر عراق منطبق بود؛ پس از سقوط صدام و اشغال عراق توسط نیروهای اشغالگر، بلاهای بزرگی بر سر فرهنگ و اهل علم و ادب آمده است که فهرست‌وار به چند نمونه آن اشاره می‌کنم:

۱. آتش کشیدن کتابخانه ملی، کتابخانه اوقاف بغداد که هر دو دارای هزاران نسخه خطی بوده است.

۲. غارت موزه‌های آثاری نینوا، موصل و بغداد به طوری که هزاران اثر نادر دوره‌های تمدنی قبل و پس از میلاد غارت شد که یک فاجعه فرهنگی جهانی به حساب می‌آید. جالب است که نیروهای اشغالگر عذرشان این بود که ما نمی‌توانیم از این مراکز فرهنگی حمایت کنیم. در حالیکه آنان از روز اول اشغال، از وزارت نفت به صورت محکم حفاظت و حمایت کردند و این هدف آنها را از اشغال نشان می‌دهد. یکی از نویسندگان می‌گوید: اشغالگران در خصوص فرهنگ کل منطقه، عقده حقارت داشتند؛ زیرا آمریکا تمدنش بیش از ۲۰۰ سال قدمت ندارد در حالی که سابقه تمدن در منطقه به هفت هزار سال می‌رسد. هنوز خیلی از آثار غارت شده در کشورهای مختلف، پخش است و بخش اعظم نوشتارهای توراتی و عبرانی به آمریکا برده شد و هنوز هم از برگرداندن این نوشتارها امتناع می‌ورزند.

۳. کشتن و تهدید به مرگ صدها استاد دانشگاه و اندیشمند؛ به طوری که

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق ■ ۲۳

براساس آماری که اینجا دارم از استادان باقی مانده عراق ۹۱ درصد آنها از مرگ هراسانند و این یک آمار وحشتناک است و تا به حال یک نفر از قاتلان استادان یا اندیشمندان گرفته، دستگیر و محاکمه نشده‌اند. این سؤال همچنان مبهم است که چه کسانی پشت قضیه هستند و دستور قتل بیش از ۳۰۰ روزنامه‌نگار را داده‌اند؟ در نتیجه این جو، هزاران نفر از نخبگان فکری مجبور به مهاجرت از عراق شده‌اند و در عمل صحنه فرهنگی و هنری داخل عراق خالی شده است.

۴. یکی دیگر از آثار سوء اشغال عراق، تشدید اختلاف‌های دینی، مذهبی، فرقه‌ای و نژادی است که موجب ترک خانه و مهاجرت صدها هزار نفر و مهاجرت فراوان مردم شده است و محیط اجتماعی و فرهنگی را به شدت ناامن کرده و روح انتقام‌جویی و جوّ ترس و وحشت را اشاعه داده است. در حال حاضر می‌توان گفت مهم‌ترین اثر اشغال نظامی عراق بر حوزه فرهنگ است که تقریباً فعالیتهای فرهنگی فراگیر دولتی کاملاً متوقف شده است. البته انهدام سلطه استبدادی صدام توسط نیروهای اشغالگر آثار مثبتی نیز داشته است که یکی از آنها به حرکت درآمدن نیروهای سرکوب شده و خلاقیت‌های نهفته در مردم بود که بیش از سی سال در زیر فشار و اختناق وحشتناک خاموش بود. از اینرو امید است که به رغم جو کنونی، به‌زودی شاهد ظهور نسل جدیدی از شاعران، نویسندگان و هنرمندان جوان باشیم. گفته می‌شود صدها مرکز و مؤسسه فرهنگی، ادبی، دینی، آموزشی و تشکیلات غیر دولتی (NGO) آماده فعالیت در حوزه‌های فرهنگی شده‌اند و تلاش می‌کنند غیر از سطوح ملی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی فعالیت‌های درخشانی از خود به نمایش بگذارند. برای مثال به تازگی در مسابقه‌های استان ناصریه، حدود یکصد شاعر و هفتاد داستان نویس شرکت کرده‌اند که در سطح استان آمار قابل توجهی است.

در زمینه نشر کتاب که به حوزه تخصصی بنده نزدیک‌تر است، باید بگویم آثار مکتوب موجود در عراق از کهن‌ترین نوشتارهای بشری در تاریخ است. در دوره‌های اسلامی، کتابخانه‌های بزرگی در بغداد بوده که هزاران نسخه خطی در آنها وجود داشته است. برخی از مورخان ذکر کرده‌اند که هنگام حمله هولاکو به بغداد برای عبور از دجله آن را با کتاب و جسد مردم پرکردند و از فراز آن عبور کردند. کتابخانه شیخ طوسی در بغداد دارای هشتاد هزار نسخه خطی بوده است که آنها را در حیاط همانجا به آتش کشیدند و این ارقام قابل توجهی برای زمانی است که چاپخانه‌ای نبوده و کتب به صورت خطی و با دست نوشته می‌شده است. در زمان معاصر به گفته قاسم محمد رجب - بزرگ‌ترین کتاب فروش معاصر بغداد - هفتاد درصد کتاب‌های مراکز نشر لبنان و مصر، در عراق به فروش می‌رسید و عراق پل ارتباطی نشر کتاب بین شرق و غرب، ایران و مصر بوده است. ایشان در خاطراتش می‌گوید: «بزرگ‌ترین راه ارتباط ایران و مصر از راه عراق بوده و کتاب‌های خطی را از ایران به مصر برای تحقیق و چاپ می‌بردیم. همچنین کتاب‌های چاپ شده در مصر را به ایران برمی‌گرداندیم. یکی از گفتارهای مشهور در جهان عرب این است که در جهان اسلام، تألیف کتاب در مصر و چاپ در لبنان انجام اما در عراق خوانده می‌شد. در عراق رسم بود که اهل فرهنگ، سیاست، تجار و طلاب، کتابخانه شخصی در خانه خود داشتند و برخی از این کتابخانه‌ها در حد کتابخانه عمومی بوده و اکنون خیلی از این کتابخانه‌های شخصی به عنوان کتابخانه‌های عمومی در خدمت عموم درآمده است. در بغداد خیابانی به نام «المتنبی» وجود دارد که دارای ده‌ها کتابفروشی است و در روز جمعه به یک جشنواره کتاب تبدیل می‌شود که در پیاده‌روهای آن هزاران نسخه از کتاب‌های قدیمی به نمایش درمی‌آید و به جایی برای رفت و آمد اهل علم و فرهنگ تبدیل شده است».

۲۵ ■ بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق

این وضعیت علی‌رغم مشکلات امروزی و اوضاع سیاسی کنونی و اشغال عراق است. هنوز بازار کتاب عراق، بازار اول جهان است که چشم ناظران ایران، لبنان و مصر به آن دوخته شده و نمایشگاه‌های متعددی در شهرهای مختلف عراق برپا شده و با استقبال زیادی مواجه شده است. به طوری که حتی فقها و دوستان نقل می‌کنند در عراق فقط دارو بر کتاب مقدم است. مهم‌ترین چیز برای طبقه متعلم و روشنفکر خرید کتاب است. برای مثال در آخرین نمایشگاهی که در بصره برپا شد خیلی از کتاب‌ها روز اول تمام شد یعنی نمایشگاه با اقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد. نیز بعد از سقوط صدام شاهد رشد آثار فرهنگی، مجموعه‌های شعری، داستان و آثار نقد ادبی به ویژه در خارج عراق بودیم که علت آن استعداد نهفته در این زمینه و شکستن حصار رژیم صدام است.

براساس آمار گذرا، وضعیت نشریه‌ها، از حدود ۱۰ نشریه در زمان صدام به ۳۰۰ نشریه در همین اوضاع آشفته کنونی رسیده است، با اینکه چاپخانه‌های عراق بیشتر قدیمی و با امکانات محدود چاپی است، ولی ۳۰۰ نشریه اعم از روزنامه و مجله به چاپ می‌رسد. از پنج رسانه سمعی و بصری، رادیو و تلویزیون که در زمان صدام همه دولتی بود، الان پنجاه شبکه رادیویی و تلویزیونی در عراق است که یک رسانه آن دولتی و دارای بخش‌های متنوع است و همین رسانه دولتی، مطابق قانون زیر نظر مجلس و پارلمان عراق است و دولت نمی‌تواند تأثیر علنی روی این رسانه داشته باشد.

قانون مطبوعات، فعلاً در عراق نیست و تا به حال در این پنج شش سال هیچ نویسنده‌ای نبوده که درباره نوشته خود محاکمه شود و یا به زندان برود. هرچند نبود قانون موجب آثار سوء و بی‌حد و مرزی در مطبوعات شده است. قانون جدید مطبوعات به مجلس پیشنهاد شده اما هنوز به تصویب نرسیده است. از

۲۶ ■ سلسله نشست‌های علمی - تخصصی

جمله اینکه، تعرض به روزنامه‌نگار در حال انجام وظیفه و کار روزنامه‌نگاری به مثابه تعرض به کارمند دولتی است و همان مجازاتی که در آنجا در نظر گرفته شده در اینجا هم اجرا می‌شود.

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق (۳)

مهندس جمال ابراهیمی^۱

بعد از سال ۲۰۰۳م. رسانه‌ها را به بخش‌های تلویزیون و رادیو، روزنامه و خبرگزاری‌ها تقسیم کرده‌اند. من به رادیو اشاره نمی‌کنم، چون رادیو در عراق به شکل محلی یعنی در بغداد و استان‌های مختلف بسیار زیاد است. بحث رسانه‌ها دو بخش است: ۱. بخش رسانه‌های عراقی که با مدیریت عراقی‌هاست و بیشتر آن از عراق پخش می‌شود. ۲. بخشی هم مثل «الجزیره»، «العربیه» و «العالم» که از بیرون برنامه پخش می‌کند و حداقل یک برنامه هفتگی یا بیشتر مخصوص

۱. کارشناس ارشد مسائل عراق

عراقی‌ها دارد. بحث من، تأثیر رسانه‌ها بر مردم عراق است. مرکز رسانه‌ای که ما آنجا تأمین کردیم، حدود ۴ سال است که فعال است. قبلاً بخشی از رسانه‌ها از امارات برنامه پخش می‌کرد ولی اکنون در کردستان عراق بین سلیمانیه، اربیل و برخی شهرهای دیگر فعال است.

دکتر «امین» به بحث روزنامه‌ها و رسانه‌های ملی عراق اشاره کردند که قبلاً همه دولتی بود و در زمان حزب بعث مهم‌ترین آن «الثوره» و «الجمهوری» بود یعنی دو روزنامه اساسی و چند مجله داشتیم. ولی اکنون ده‌ها روزنامه منتشر می‌شود. من اسامی برخی روزنامه‌ها را می‌گویم که بعضی از آنها در بغداد و برخی رسمی است و در شهرها منتشر می‌شود. «الصباح» روزنامه‌ای رسمی با که شمارگانش حدود دوازده هزار نسخه و قوی‌ترین روزنامه است، چون مردم به آن نگاه می‌کنند و اعلامیه‌های رسمی در این روزنامه منتشر می‌شود. روزنامه‌های دیگر عبارتند از: «نو بامداد» (الصباح الجديد)، «دادگری» (جريدة العدانه)، «گفتار روشن» (جريدة البيان)، «برهان» (جريدة البینه)، «اتحاد کردستان»، «اخوت»، «دارالسلام»، «بغداد» و... من در یک جزوه ویژگی‌های هر یک از این روزنامه را آورده‌ام که تقدیم پژوهشگاه می‌کنم.

بخش خبرگزاری‌ها: در زمان صدام خبرگزاری رسمی عراق به نام «الانباء العراقیه» بود، اکنون خبرگزاری رسمی نداریم ولی تقریباً ۲۴ خبرگزاری داریم. مهم‌ترین آنها خبرگزاری «ملی انباء» (الوكالة الوطنیه الانباء: نیتا) است که ریاست آن با یک فرد مسیحی (فرید عیار) و پشتیبانی آن نیز با سازمان ملل است و برای آمریکایی‌ها قوی‌ترین خبرگزاری فعال است. خبرگزاری دیگر «رویترز عراق» به عنوان صداهای عراق یا خبرگزاری رویترز است. از خبرگزاری دیگر دو تا

۲۹ ■ بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق

نزدیک به مجلس اعلا و متعلق به شیعیان است. بقیه متعلق به سکولارها و شخصیت‌های سنی و برخی از رهبران شیعی است. بعثیون هم در دوران صدام به همان نام «وکالت الانباء العراقیه» یک خبرگزاری داشته‌اند و همه این خبرگزاری‌ها تأثیر زیادی بر حوادث عراق دارد.

بحث سوم، بحث نقابه‌ها یا سندیکاهاست. تقریباً سه سندیکای اساسی در عراق داریم، یکی جامعه یا سندیکای خبرنگاران عراقی، دوم اتحادیه ادبا و نویسندگان عراقی و سوم جامعه هنرمندان عراقی است. سندیکای خبرنگاران عراقی از سال ۱۹۴۶م. تأسیس شد. برای مثال افرادی مثل «کامل جادرچی» که افراد مهمی بودند در آن زمان در عراق مسئول آن بودند. این سندیکا در حال حاضر ده‌هزار عضو دارد که چهارهزار نفر از آنان فعال و شش‌هزار نفر غیر فعال‌اند و رئیس آن یک بعثی است، هرچند شیعه می‌باشد. یک تشکیلات دیگر اتحادیه ادبا و نویسندگان عراقی است که از سال ۱۹۵۸م. تأسیس شده و مسئول آن از لیبی فوق لیسانس گرفته و فعال است.

یک سندیکای دیگر هم مربوط به جامعه هنرمندان عراق است که از سال ۱۹۶۹م. تأسیس شده و بعد از سقوط رژیم دوباره احیا شده است و قانون هم برایش صادر شد و هزار عضو هنرمند دارد. دو سازمان دیگر هم داریم: یکی سازمان «دفاع از آزادی بیان» است که بسیار فعال است و دیگری «رصد آزادی رسانه مکتوب» که دارای سایت است و بسیار قوی و مؤثر است و حتی دولت از آنان می‌ترسد. «جامعه دفاع از حقوق خبرنگاران است» که از سال ۲۰۰۳م. تأسیس شده و پنج تشکل دیگر نیز هست. مثل «جامعه شاعران»، ورزشکاران، «جامعیون» و... که به دلیل ضیق وقت به آنها اشاره نمی‌کنم.

موضوع مهم دیگری که از سال ۲۰۰۷م. تحقیق کرده‌ایم، جهت‌گیری

شبکه‌های ماهواره‌ای عراقی در قبال برخی از مسائل عراق است. نتیجه این پژوهش به فارسی ترجمه شده است. ما چند شبکه انتخاب کردیم مانند: «الفرات» که متعلق به (مجلس اعلاست)، شبکه دیگری که متعلق به بخش دوم حزب «الدعوه» است، شبکه تلویزیونی «بلادی» که متعلق به دکتر جعفری، نخست وزیر سابق عراق و شبکه «بغداد» که متعلق به حزب اسلامی است.

ما در مرکز مطالعاتی، برنامه‌های ده شبکه را ضبط کردیم و هنگام رصد این شبکه‌ها، ۱۵ عامل را برای مطالعه تطبیقی آنها در نظر گرفتیم، مانند: جهت گیری در قبال روند سیاسی، حکومت، اشغال، مقاومت، تروریست‌ها، قانون نفت، قانون احزاب و ... یعنی تلاش می‌کردیم تا بفهمیم جهت گیری آنها پیرامون این موضوعات چیست؟ نکته آنکه با مطالعه نتایج این پژوهش، اطلاعات قوی از وضعیت داخل عراق کسب می‌کنید که می‌تواند استفاده شود.

به بحث سینما هم اشاره می‌کنم، سینمای عراق یک مدیریت مرکزی از سال ۱۹۵۹م. داشته است. یعنی در دولت عراق برای پیگیری موضوع سینما و تئاتر یک مؤسسه رسمی از تاریخ مذکور درست شده است. آن‌هم بعد از شش سال شروع به تولید فیلم کرد. این مرکز در حال حاضر بسیار ضعیف و متعلق به وزارت فرهنگ عراق است. در دهه ۷۰هش کم‌ترین تولید فیلم را داشتیم و حدود ۱۶ فیلم تولید شد. دهه ۸۰هش بیشترین تولید فیلم صورت گرفت که آمار آن حدود ۲۸ مورد است. در دهه ۸۰هش بحث جنگ بود و سوژه‌های جنگ باعث شد تولید فیلم بالاتر برود. تقریباً ۱۰ سینما در بغداد، چهار سینما در بصره و در استان‌های دیگر فقط یک سینما وجود داشت که در سال ۲۰۰۹م. شروع به کار مجدد کرده‌اند از جمله در بصره سینما «اطلس» فعال شده و یک سینما هم در بغداد شروع به کار کرده است و بقیه سینماها مخروبه شده و کسی دنبال احیاء آن

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق ■ ۲۱

نیست. البته در دولت خودمختار کردستان وضع بهتر است. تقریباً یازده میلیون دلار به بحث سینما تخصیص داده شده است ولی سینمای عراق هنوز تأثیر مهمی در سینمای عرب ندارد.

پرسش و پاسخ

پرسش: با توجه به مطالعات و پژوهش‌هایی که شما در حوزه عراق داشته‌اید و تجربه‌ای که به واسطه مسئولیت شما حاصل شده است، شما کدام یک از این وضعیت‌ها را در آینده عراق بیشتر محتمل می‌دانید: حفظ هویت ملی و یکپارچگی در عراق یا فدرالیسم و یا نوعی توزیع اداری - جغرافیایی رقیق‌تر؟ پرسش دوم اینکه برخلاف زمینه‌های مشترک متعدد بین ایران و عراق، احتمالاً متغیرها و عواملی که بین این دو کشور و مردم آن فاصله ایجاد خواهد کرد، مثل تفسیرهای متنوعی که از مذهب، شریعت، فقه و بحث‌های کلامی صورت می‌گیرد در این صورت در چه زمینه‌هایی می‌توانیم تعامل‌های فرهنگی آینده را با عراق تقویت کنیم که این اختلاف‌ها مانع گسترش ارتباطات فرهنگی نشود و احیاناً چالش‌های فراروی این تعامل‌های مثبت فرهنگی چیست و چگونه می‌شود بر آنها فائق آمد؟

پاسخ (آقای اکبری): در واقع آمریکایی‌ها وقتی بحث عراق و سپس خاورمیانه جدید را مطرح کردند، نقشه‌ای در ذهنشان تصویر کردند که عراق - به‌خصوص مناطق جنوبی آن - را اشغال کنند و نیز برای مناطق شرقی عربستان و منطقه حاشیه خلیج فارس به نوعی نقشه داشتند که آن نقشه از ارتش آمریکا بیرون آمد و در ناتو هم بحث شد و ترکیه نیز به این نقشه انتقاد کرد. در واقع آنها می‌خواستند حاشیه خلیج فارس را که حوزه نفتی است در اختیار داشته

باشند، یعنی یک کشور شیعی عرب تحت سلطه درست کنند تا در آن شرایط به دلیل نیاز همه رقبای آمریکا به انرژی، همه آنها تحت مدیریت آمریکا قرار گیرند. بنابراین یکی از اهداف آمریکا در اشغال عراق، امنیت انرژی بود و اینکه اینجا را در سیطره خود گیرد و بعد هم خواسته‌های خود را محقق کند. موضوع‌هایی مانند جنگ پیشگیرانه و حوادثی مانند ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای برای حضور آمریکا در این منطقه بود تا با سلطه بر منابع انرژی روابط خود را با سایر رقبا با تثبیت یک نظام تک قطبی تنظیم کند. اما در این هدف موفق نشدند. زمانی که جنگ ۳۳ روزه شروع شد، رایس - وزیر خارجه وقت آمریکا - اعلام کرد این اتفاق که در لبنان افتاده تولد یک خاورمیانه جدیدی است که از این نقطه آغاز شده است و طبیعتاً آنها می‌خواستند به هدف اصلی و اساسی‌شان برسند. اما آنچه در عراق اتفاق افتاد چیز دیگری شد. آمریکایی‌ها اگر می‌خواستند بحث دموکراسی را مطرح کنند حدود ۶۵ درصد شیعه و ۲۰ درصد کرد، مجموعه‌ای بودند که در طول تاریخ عراق نتوانسته‌اند از حقوق خود بهره‌مند شوند؛ اینها به دنبال تأمین منافع خود بودند و تنها گروهی که در طول هفتاد سال بر عراق حکومت می‌کرد و به عنوان ابزار دست استعمار بود، اقلیت ۱۷ درصدی سنی عرب بود که البته زمان صدام بعثی‌ها با بسیاری از سنی‌ها هم مشکل جدی داشتند. مبارزه‌های شیعه با اقدام‌های شهید «صدر» آغاز شد. وقتی شیعیان به نوعی در شرایط سیاسی با حزب «الدعوه» و «اخوان المسلمین» ائتلاف کردند و رهبران شیعه را زندانی کردند، چند تن از سنی‌ها نیز در این مسیر شهید شدند. این امر نشان می‌دهد که یک اتحاد قوی بین شیعه و سنی عراق از قدیم بوده است. با اینکه یک اقلیتی بر اکثریت حکومت می‌کرد، ولی اختلاف‌های جدی بین آنان هیچگاه به اندازه زمانی که آمریکایی‌ها آمدند، نبود. آمریکایی‌ها خیلی تلاش کردند تا بتوانند

جمعیت سنی، گُرد و یک درصدی از شیعه‌های به اصطلاح خودشان سکولار را هماهنگ کنند و از اینها یک ترکیب ۵۱ درصدی بیرون بیاورند تا به نوعی حکومت دیکتاتوری با ظاهر دموکراتیک ایجاد کنند. به همین دلیل آمریکایی‌ها با قانون اساسی و انتخابات آزاد موافق نبودند و مرجعیت هم همین نقطه را نشانه رفت که توانست مسیر عراق را خلاف سیاست آمریکایی‌ها تغییر دهد.

بحث دوم، تجزیه عراق است که بیشتر در محافل سیاسی موضوعی است که اسرائیلی‌ها به دنبال آنند. اسرائیلی‌ها همواره سعی کرده‌اند از کردستان به عنوان یک پایگاه برای خود استفاده کنند. پس از جنگ جهانی اول، غربی‌ها تلاش کردند در منطقه خاورمیانه کانون‌های درگیری، جنگ، تنش، مقابله و خونریزی ایجاد کنند که از جمله آنها قرار دادن کردها به صورت پراکنده در دولت‌های مختلف بود. کردها نیز سال‌ها به دنبال استقلال، خودمختاری و حق تعیین سرنوشت بودند و در شرایط پس از اشغال تلاش کردند به نوعی حکومت فدرالی برسند. بحث «برمر» هم همین بود که کردها دنبال نظام فدرالی‌اند و شیعیان دنبال انتخاباتند و ما باید به اینها این سهم‌ها را بدهیم تا خواسته‌های خود را پیش ببریم. البته اگر قرار باشد کردها فدرالیسم را محقق کنند و به دنبال تغییر باشند، قطعاً باید منطقه کرکوک را در اختیار خود داشته باشند. به لحاظ اسناد تاریخی در برخی از مقاطع کردها در کرکوک اکثریت بودند که اکنون آنها به همین استناد می‌کنند. البته در بسیاری از مقاطع، ترکمن‌ها بر آن حاکم بودند. اگر کردها کرکوک را بگیرند یک عقبه قوی برای حکومت مرکزی کردستان بزرگ دارند که اگر بخواهند به سمت ترکیه، سوریه و ایران نگاه کنند و آنجا را نگیرند در واقع کردستان جغرافیای بی‌خاصیتی می‌شود و نمی‌توانند خیلی عقبه و توان داشته باشند. از طرفی اگر عرب‌های سنی، منطقه کرکوک را از دست دهند یک

جمعیت حداقل و بدون امکاناتی خواهند بود که مجبورند از عراق مهاجرت کنند، زیرا عقبه‌ای ندارند و عمده نفت و ذخایر عراق در جنوب عراق در ۹ استان شیعه‌نشین است. بنابراین در بحث فدرالیسم یا به نوعی چیزی که به سمت تجزیه برود یک جنگ بسیار طولانی بین کردها و سنی‌ها محتمل است که البته مهندسی و اداره این کار حتی برای بازیگران فرامنطقه‌ای خیلی پیچیده و سخت است؛ اگر هم این اتفاق به هر دلیلی بیفتد، شیعیان عراق یک جمعیت قابل توجهی هستند و تمام ذخایر و منابع عراق هم دست اینهاست؛ از این طرف نیز حکومت، دست شیعیانی می‌افتد که می‌توانند به نوعی بدون دغدغه و مشکل با ایران، شرق عربستان و بحرین ارتباط برقرار کنند که باز به نفع بازیگران فرامنطقه‌ای نخواهد بود. پس، تجزیه از یک سو به نفع اسرائیل و کردهاست و از سوی دیگر اگر اتفاق بیافتد به هر دلیلی حتی حکومت فدرالی که بتواند از اقتدار فوق‌العاده برخوردار باشد می‌تواند مشکلی جدی برای منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای به وجود آورد. نکته آنکه در سیستم فدرالیسم هیچ گروهی نمی‌تواند ارتش، وزارت خارجه و سیستم اقتصادی مستقل داشته باشد، ولی کردها در عراق به نوعی آنها را درست کرده‌اند و جالب است که الان از بغداد که به مرز کردستان وارد شویم، یا کسی که از بغداد با هواپیما به اربیل برود گذرنامه‌اش را مهر ورود می‌زنند مثل یک کشور خارجی و یا اگر فردی از مرز زمینی عربی وارد منطقه کردستان شود او را آنجا نگه می‌دارند و کنترل می‌کنند. یک مرد باید کفالت کند تا به او اجازه ورود به کردستان دهند و الا اجازه ورود نمی‌دهند. تقریباً ضوابطی سخت‌تر از روابط دیپلماتیک بین کشورها برقرار کرده‌اند. اگر کل کردستان را نگاه کنید پرچم عراق را اصلاً نمی‌بینید و یک پرچم کردی را تقریباً شبیه پرچم جمهوری اسلامی مستقر کرده‌اند و در تمام کردستان همین پرچم را

۲۵ ■ بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق

زده‌اند. البته موضوع کردستان عراق یک بحث مفصلی است که وقت مستقلاً می‌طلبد.

بحث سوم، حکومت دیکتاتوری است. یکی از اشتباهاتی که غربی‌ها و آمریکایی‌ها داشتند و بعداً به آن اعتراف کردند و مقصر آن را «رامسفلد» - وزیر جنگ وقت آمریکا - اعلام کردند، این بود که حزب بعث و ارتش عراق را منحل کردند. آنها چون شعار دموکراسی می‌دادند و چهرهٔ صدام و حزب بعث هم آلوده بود، ناچار شدند تغییراتی بدهند و حکومت دیکتاتوری را ساقط کنند؛ اما به‌زودی متوجه شدند در فرایند دموکراتیک و در فقدان حکومت دیکتاتوری منافع آنها تأمین نخواهد شد. در حال حاضر آمریکایی‌ها مجبور شده‌اند خیلی از مراکز قدرت را تحویل دولت دهند و در شرایط کنونی اعلام وضعیت دیکتاتوری امکان‌پذیر نیست. چون هر یک از قومیت‌ها نیروی رسمی و غیررسمی نظامی خود را داراست که می‌بایست بین آنها تعادلی ایجاد شود تا عراق روی ثبات ببیند.

نکته آخر، بحث شرایط مطلوب در عراق است. عراق ناگزیر است که به دموکراسی تن دهد، یک وحدت ملی ایجاد کند و به بازسازی هویت ملی پردازد. زیرا اگر آنجا از هر کسی سؤال کنیم هویت تو چیست؟ قبل از آنکه بگویند عراقی‌ام، می‌گویند، شیعه، سنی یا کرد هستیم. البته شیعیان بیش از همه تمایل دارند بگویند ما عراقی هستیم. به این دلیل که با ۶۵ درصد، اکثریت را دارند و می‌توانند حکومت کنند؛ با بقیه هم بسیار تعامل خوبی داشته و خیلی از امتیازاتشان را هم داده‌اند. تلاش جریان شیعه نیز این است که بتواند عراق یکپارچه و متحد را ایجاد کند. کردها می‌خواهند هم استقلالشان را حفظ و هم از دولت مرکزی استفاده کنند. سنی‌ها معتقدند چون ۸۰، ۹۰ سال حکومت در

دستشان بوده است باید امتیازات بیش از سهمشان داشته باشند. بنابراین تنها راه موجود در یک دموکراسی، تعیین حقوق اقلیت‌هاست که بتواند شرایط آرامی را در عراق ایجاد کند. در غیر این صورت به دلیل ارتباط قومیت‌ها با بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای که معمولاً از آنجا ارتزاق می‌کنند و برای حفظ موجودیت خود به دنبال تأمین سیاست‌های آنها هم هستند، می‌تواند عراق را یک کشور بحرانی کند که سال‌های سال از این بحران نجات پیدا نکند.

درباره قسمت دوم سؤال یعنی اشتراک‌ها و اختلاف‌هایی که در روابط ایران و عراق است؟ می‌توان گفت: سه رکن اساسی در روابط ایران و عراق وجود دارد. یکی قرابت جغرافیایی است، دیگری موضوع اکثریت شیعی و مرجعیت و سوم وجود عتبات عالیات است. مردم ما ثابت کردند در هر شرایطی و با وجود هر مشکلی علاقه‌مند به زیارت عتبات عالیات در عراق هستند. اگر اکنون اعلام کنیم در مکه یا عربستان بحث آنفلوآنزا هست، می‌بینیم ۵۰ درصد کاروان‌های زیارتی ما خالی می‌شود و کسی ثبت‌نام نمی‌کند. ولی در عراق هر روز انفجار می‌شود، اما آمار مردم برای ثبت‌نام در کاروان‌های زیارتی عتبات عالیات ۲ تا ۳ برابر بالا می‌رود. یعنی ما ثبت‌نامی که برای ۱۸۰ هزار نفر اعلام می‌کنیم، گاه ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر ثبت‌نام می‌کنند و هر چقدر هم تلاش می‌کنیم، راه‌ها را ببندیم مردم سعی می‌کنند از راه‌های فرعی و غیر رسمی بروند که خیلی نگران‌کننده است. ایرانی‌ها را اگر رها کنیم شاید روزی ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر هم حاضرند به عتبات مشرف شوند و این به لحاظ اقتصادی یک نیاز واقعی جامعه عراق است و یک نیاز معنوی از سوی ایرانی‌هاست که هیچ دولتی نمی‌تواند مانعی ایجاد کند مگر شرایط دوران صدام برگردد. یکی از دلایلی که آمریکایی‌ها با حضور زائران مخالفت ندارند این است که حضور زائر در هر جغرافیای منطقه‌ای، امنیت ساز

۲۷ ■ بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق

است. رکن دوم اکثریت شیعه است. بالاخره عراق یک جمعیت اکثریت از شیعیان دارد و کسی نمی‌تواند آن را نفی کند. یک روابط دیرینه تاریخی هم بین آنان و ایرانیان وجود دارد و ایران نزدیک‌ترین کشور برای رفع برخی از نیازهای اساسی عراق است. برای مثال هزینه تأمین بخشی از انرژی برق عراق از طریق ایران قابل مقایسه با هیچ کشور همسایه دیگری نیست.

رکن سوم بحث قرابت جغرافیایی است؛ چون ما یک مرز بسیار طولانی داریم و کردها بهترین روابط را، در مقایسه با یک دولت مقتدر در آینده عراق یا دولت ترکیه و یا حتی سوریه، با ایران می‌توانند تنظیم کنند، آنها ناگزیرند به دلایل متعدد از جمله: زبانی، تاریخی و ... تکیه‌شان به ایران باشد. این دلایل کافیست برای اینکه روابط ایران و عراق توسعه پیدا کند و پیش برود. قدرت‌های جهانی به شدت نگران هستند که پیوندی بین ایران و عراق ایجاد شود چون اقتدار شیعه به حدی است که می‌تواند توسعه جغرافیایی و بین‌المللی هم داشته باشد. قدرت‌های جهانی نیز تلاش بسیاری کردند و حتی بسیار تلاش و امکانات صرف کردند تا اختلاف ایجاد کنند. فکر می‌کنم جنگِ فتنه شیعه و سنی که در عراق شروع شد در تاریخ عراق سابقه نداشته و علی‌رغم اینکه همیشه یک اقلیت سنی، اکثریت شیعه را به شدت تحت فشار و سیطره خود قرار داده ولی هیچگاه منجر به درگیری‌های خشن، جنگ و خشونت بین دوطرف نشده بود. ولی در این سال‌های اخیر ما دیدیم که گاه روزی ۵۰ تا ۱۰۰ نفر از زن، بچه، کوچک و بزرگ سر بریده می‌شدند که این به نظر من فتنه آمریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها و صهیونیست‌هاست تا اختلاف‌های شیعه و سنی را به اختلاف‌های منطقه‌ای منجر کنند. این کار را به طور جدی انجام می‌دهند و در آینده هم انجام خواهند داد که بتوانند به لحاظ مذهبی هم فاصله بیندازند.

نکته آخر بحث ناسیونالیسم است. فکر می‌کنم عراق از این مرزها عبور کرده است؛ زیرا خیلی‌ها تلاش می‌کنند که بحث عربیت و ناسیونالیسم عرب و ایرانی را دیوار و فاصله‌ای بین دو کشور قرار دهند، ولی در مقاطع مختلف موفق نشده‌اند. یک فرد سکولاری مثل «ایاد علاوی» را آوردند چقدر هم حمایت کردند، «چلبی» را آوردند و پشتیبانی کردند و مشغول به کارش کردند، ولی دیدند همه معادله‌ها به لحاظ بنیان‌ها و پشتوانه‌های مردمی همه چیز به هم خورد. عراق همین الان هم یکی از رکن‌های اساسی‌اش مرجعیت است. یک پیام مرجعیت در مناطق شیعی می‌تواند تحول ایجاد کند و آمریکایی‌ها هم به این اعتراف می‌کنند. خیلی از بحث‌های جانبی که می‌تواند اختلاف‌انگیز باشد به دلیل حضور مرجعیت منتفی شده است. البته آنها به شکل جدی اختلاف‌های محتمل بین دو کشور را دنبال می‌کنند تا از شکل‌گیری ائتلاف شیعی ممانعت کنند. اما به لطف خدا نقش محوری مرجعیت و نوع ارتباط بین مرجعیت و رهبری جمهوری اسلامی ایران باعث شده خیلی از زمینه‌ها و توطئه‌هایی که برای اختلاف دو کشور می‌خواهند طراحی کنند، به نتیجه نرسد.

پرسش: اشاره فرمودید جمعیت شیعیان در عراق، جمعیت فعال و پویایی است و پس از سقوط صدام به نظر می‌رسد شیعیان به این سمت می‌روند که خودشان را احیا کنند و حوزه‌ها را دوباره فعال کنند. جمعیت‌های شیعی در حوزه‌های سیاسی و مذهبی فعالیت خودشان را از سر گرفته‌اند و مراجع بزرگی در صحنه سیاست حضور دارند. برای مثال دیدیم جریان صدر در بحث یمن وارد و خواستار میانجی‌گری شد هرچند از طرف دولت رد شد. سؤال من این است که: آیا شیعیان در عراق تمایل به حضور در صحنه‌های سیاسی منطقه دارند یا خیر؟ یعنی خواستار این موضوع هستند که شبکه‌های اجتماعی و سیاسی را در

۲۹ ■ بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق

سطح منطقه بین شیعیان و سایر مناطق و شیعیان عراقی فعال کنند. همان‌طور که می‌دانید مراوده‌هایی هست و شیعیان برای زیارت عتبات و تحصیل به عراق می‌روند.

پاسخ (آقای اکبری): در مورد بحث شیعیان عراق، عراق اکنون شرایطی دارد که آنها باید مشکل خودشان را حل کنند و اگر حقوق شیعیان عراق در این کشور تأمین شود این یک هدف اساسی هم به لحاظ اعتقادی و هم سیاسی است. شیعیان عراق اگر بتوانند منافعی را تثبیت کنند و به نوعی نقش خود را در خصوص جمعیت خود در حاکمیت حفظ کند، این نتیجه خوبی است. در حال حاضر شیعیان عراق در یک شرایط نابسامان به لحاظ اقتصادی، رفاهی، امنیتی و مشکلات جانبی هستند. خیلی از کشورها در آنجا تردد دارند و تقاطعی از منافع را شاهد هستیم که هر کس دکه‌ای آنجا زده و کارهای اطلاعاتی انجام می‌دهد و از عوامل خود حمایت می‌کند، بنابراین همه چیز دست شیعیان نیست. آنها همین که بتوانند خودشان را در این معادله‌ها و پیچیدگی‌ها تثبیت کنند، موفقیت خوبی است و اگر همین اتفاق برای مناطق دیگر بیفتد مثلاً شیعیان بحرین هم بتوانند حقوق حداقل خود را داشته باشند، در واقع هدف اساسی شیعه محقق می‌شود. اینکه ما توقع داشته باشیم عراق اکنون نقش منطقه‌ای خود را ایفا کند، خیلی بعید است. تقریباً این امکان وجود ندارد، حتی «صدر» هم که آن را مطرح می‌کند (در واقع یک شعار درستی هم هست) ولی شرایط آن هنوز تثبیت نشده است؛ زیرا آمریکا هنوز در عراق است و هر لحظه ثبات عراق تهدید می‌شود.

پاسخ (آقای امینی): وضعیت شیعیان در عراق خود به خود تأثیر مهمی بر کل شیعیان منطقه دارد. پس از ۲۰۰۳م. وضع شیعیان بحرین و سعودی و حتی یمن تغییر کرده است و شیعیان با یک درصد مهمی وارد پارلمان شده‌اند. البته من

معتقدم دولت‌های عربی تلاش می‌کنند تا حاکمیت شیعیان در عراق را از بین ببرند و آنها را از خانه قدرت خارج کنند. «ملک عبدالله» گفته: «من در لبنان یک میلیارد و دویست میلیون دلار بابت انتخابات اخیر خرج کردم، حاضرم در عراق صد میلیارد دلار خرج کنم تا قدرت از شیعیان گرفته شود». تا به حال نخست‌وزیر عراق را سعودی قبول نکرده و به رسمیت نشناخته است. اولین رئیس مجلس عراق که قرار بود به قاهره مصر در کنفرانس زعمای عراق برود، دو سه روز مانده به اجلاس کشته می‌شود. از نظر من این کار القاعده نیست و بحث مهمی است. کشورهای عرب منطقه علیه شیعیان در ایران، عراق، لبنان و... متحد هستند. البته سوریه از زمان «حافظ اسد» و از زمان شروع جنگ تحمیلی، با جمهوری اسلامی هماهنگ است و راه جمهوری اسلامی را برخلاف کل کشورهای عربی انتخاب کرده است. اما همین سوریه در عراق ضد شیعیان عراق است. در بحث لبنان و فلسطین شکل دیگری است. ولی در عراق با سنی‌های عراق هماهنگ است. بنابراین وضعیت شیعیان عراق متفاوت است.

اگر اجازه دهید، درباره بحث آقای اکبری و اشتراک‌های فرهنگی و رابطه ایران و عراق نکته‌ای ذکر کنم و اشاره‌ای داشته باشم به مشکلات واقعی که در این راه است، بعلاوه سه موردی که جناب آقای اکبری اشاره فرمودند. من به اشتراک‌های فرهنگی از جمله دین، مذهب و اعتقاد، تأکید می‌کنم. اکنون حتی اهل سنت عراق اکثریت حنفی هستند. «ابوحنیفه» و «نعمان» ایرانی الاصل هستند. شیعیان هم هیچ مشکلی از قبیل اینکه مرجع، اصلیتش ایرانی باشد نداشته‌اند و اعراب عراق هم از حجاز آمدند، ولی آن عشایری که اصلیتشان سعودی و از یمن بودند ارتباط زیادی به دلیل مرز جغرافیایی ندارند.

از نظر جغرافیایی شهرهای عراق و ایران خیلی نزدیک هستند؛ به یاد دارم که

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق ■ ۴۱

از مرز شمال یکبار به عراق رفتیم. در مرز، پیرمرد کشاورزی آب بر روی مزرعه باز کرده بود. گفتیم آب از کجا می‌آید؟ گفت: از همین بالا، از ایران. آب مزرعه آنها یکی است. یک طرفش ایران و طرف دیگر عراق. در آینده می‌توان اشتراک‌هایی ایجاد کرد و این مسئله در روابط سیاسی امروز نقش بسیار مؤثری دارد. امروز در روابط بین کشورها مصلحت حکمفرماست. باید دانست اختلاف بین دو کشور به نفع دیگران، استعمارگران و دشمنان اسلام است. در حال حاضر یک جنگ رسانه‌ای غیرمتوازن برای اختلاف انداختن در این زمینه وجود دارد. در این خصوص به مرحوم «علامه عسکری» (استادم) که در صد ساله اخیر حضور هشیارانه‌ای داشته‌اند، اشاره می‌کنم. ایشان می‌گفتند از انقلاب ۱۹۲۰م. وقتی انگلیسی‌ها متوجه شدند شیعیان عراق نقش اساسی در مقاومت دارند و علمای حوزه و مرجعیت - که بسیاری از آنان ایرانی‌الاصل بودند - نقش رهبری دارند، از روز اول جهت فاصله گرفتن شیعیان ایران از عراق، نقشه کشیدند. این نقشه‌ها تا امروز ادامه دارد. متأسفانه اثر منفی نیز داشته است ولی خداوند متعال عنایت دارد و باید توجه کنیم که این فاصله به نفع استعمارگران و دشمنان اسلام است.

پرسش: ما چه فعالیتی در عرصه هنر، فرهنگ، چاپ و نشر در عراق داشتیم؟ آیا به نظر شما از ناحیه ایران کم‌کاری نشده است؟ انتخابات اخیر ایران میان سیاستمداران عراق، رسانه‌ها و مردم چه بازتابی داشت؟

پرسش: قسمت آخر بحث آقای اکبری درباره اتحاد میان شیعیان بود. حال با توجه به اختلاف‌هایی که در آستانه انتخابات پارلمانی عراق در ژانویه شکل گرفته است، اختلاف‌هایی که بین شیعیان عراق به وجود آمده و اینکه «مالکی» می‌خواهد به صورت مستقل شرکت کند، این اختلاف‌ها و آینده اتحاد شیعیان در عراق را چگونه می‌بینید؟

پرسش: نقش علما را در مقابله با استحاله فرهنگی شیعیان - که از سوی اشغالگران دنبال شده - چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پرسش: نقدی به بحث جناب آقای اکبری دارم و معتقدم یک نگاه استراتژیک با مایه نظامی الزاماً منطبق بر واقعیت فرهنگی نیست و تصورم این است که رویکرد ایشان بیشتر نظامی است و این رویکرد در مواقع بحران و تنش جوابگوست. اما به مجرد اینکه فضا آرام بشود اصلاً جوابگو نیست. اگر بگوییم در طول تاریخ اسلام، شیعه در فشار بود، این منطبق بر واقعیت تاریخی نیست. برخی نکاتی که ایشان اشاره کردند با واقعیت تاریخی انطباق ندارد. مثلاً در خلیج فارس و عمان شیعیان زیدی حاکمند. در دوره‌های آل بویه در بغداد که حاکم بودند خلیفه را عزل نکردند؟ آنها بغداد را در قرن چهارم فتح کردند و خلیفه را به دلایل خاص خودشان نگه داشتند. بنابراین در اینکه بیایم غرب امروز و درگیری‌هایش را با شیعیان شکلی جدی بدهیم درست نیست. شاید با برخی جناح‌های شیعه، غرب راحت‌تر کنار بیاید تا سنی‌های سلفی، تعامل ما با غرب، گاه تعامل درستی نبوده و نکاتی که جناب «امین» اشاره فرمودند، بسیار مهم است که ما بیشتر بحث‌های مذهبی را بزرگ می‌کنیم؛ درحالی‌که بحث‌های مذهبی در طول تاریخ این اندازه اهمیت نداشته که بگوییم حتماً آن جناح در صدد حذف این جناح بوده است، یعنی باید واقعیت‌های تاریخی را خیلی عمیق‌تر بررسی کرد و نسخه پیچید.

پاسخ (آقای اکبری): درباره بحث انتخابات اخیر ایران که چه بازتابی در عراق داشته است؟ عرض می‌کنم وقتی به نوعی نگرانی‌هایی به وجود آمد، با توجه به اختلاف‌ها، بحث‌ها و عکس‌العمل‌هایی که بود، خیلی از رهبران عراق هم به تبع آن نگران بودند که چه اتفاقی در حال وقوع است و بعد چه خواهد

بررسی وضعیت نوین فرهنگی اجتماعی شیعیان عراق ■ ۴۳

شد؟ آنها گاه احساس کردند شاید پشتوانه‌ای را از دست دهند که اگر این پشتوانه متزلزل بشود به نوعی آنها هم آسیب خواهند دید. این نکته‌ای بود که در فضای عموم مردم و هم برخی از احزاب و گروه‌ها دیده می‌شد. خیلی‌ها به من زنگ زدند و از وضعیت موجود در ایران اظهار نگرانی کردند.

در مورد اتحاد شیعیان و اختلاف‌های آنها دو برداشت است؛ آقای مالکی تصورشان این است که با توجه به رأی خوبی که در استان‌ها آورده یک چهره فراقومی است و می‌تواند نقش ملی ایفا کند و با این نگاه فهرستی را تنظیم کرد و بقیه گروه شیعیان هم فهرست دیگری را آماده کرده‌اند. انتهای قضیه هم این است که با توجه به نسبتی که با هم دارند و پیش‌بینی‌ای که از آرا می‌شود، این ارائه دو فهرست به معنای تفرقه نیست که فردا اینها همدیگر را خنثی کنند، چه بسا هر دو به هر نسبتی که رأی بیاورند، این امکان برایشان باشد که با هم دوباره ائتلاف کنند و اکنون جریان سوم کردها هستند که با هم ائتلاف می‌کنند. زیرا در عراق ائتلاف گروه‌هاست که می‌تواند تعیین تکلیف برای حکومت آینده کند، قبلاً هم شیعیان با کردها ائتلاف کردند و اکثریت شدند. بعد حکومت دستشان افتاد. همچنین این تصور و ذهنیت بین آنان وجود دارد و بدین معنا نیست که از یک درگیری و دشمنی به دو فهرست رسیدند. بلکه این دو نگاه است تا بتوانند جمعیت بیشتری را جذب و همان وجهه ملی را در عراق اعمال و در دوره بعد با هم ائتلاف کنند.

اما برای فهم نقش علما در عراق پس از اشغال می‌بایست به وضعیت نابسامان آنها در دوره حکومت صدام توجه کرد. آنها می‌گویند: «ما جرأت نمی‌کردیم داخل منزل، همه مسائل را به بچه‌ها بگوییم؛ چون اینها را می‌گرفتند و شکنجه می‌دادند و بعد هم برای خیلی‌ها مشکل درست می‌کردند». یعنی تا این

حد فشار، اختناق و شرایط سخت حاکم بود. به شکر خدا الان یک فرصت بسیار خوبی فراهم شده است. نزدیک به ۴ تا ۵ هزار طلبه از ایران و کشورهای دیگر همه به عراق می‌روند و علما اکنون یک نقش محوری خیلی خوبی دارند. حتی در بحث انتخابات هم وزنه‌ای برای تعیین وضعیت آینده هستند و مردم را به آن سمت و سوی مورد نظر راهنمایی می‌کنند. حوزه نجف مدت‌ها تعطیل بوده است و اکنون هم همین مشکل را دارد. الان شرایط امنیتی در عراق اجازه فعال شدن حوزه نجف را نمی‌دهد، اما امید است با حضور طلبه‌ها از کشورهای مختلف، این حوزه فعال شود.

نکته بعد در بحث فرهنگی و اشغالگران است. خیلی بحث‌های جدی و اساسی وجود دارد. روش‌هایی که آنها در فیلیپین، کره و جاهای مختلف دنیا به‌کار برده‌اند در قالب یک استراتژی فرهنگی در عراق هم وارد کرده‌اند و بسیاری از برنامه‌هایشان را هم طراحی و برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ از جمله بحث‌های رسانه‌ای و تشکیل NGOها، بحث برخورد با جامعه عراق، مسائل اجتماعی، بحث زنان و دانشگاهیان و رسانه‌ها که یک بسته کامل برنامه‌ای دارند که بخشی از آن را مؤسسه‌ای معروف به سوروس اجرا می‌کند و آمریکایی‌ها هر کجای دنیا می‌روند اینها هم پشت سرش می‌آیند و در واقع مأموریت فرهنگی آمریکایی‌ها را اجرا می‌کنند. آنها در تمام اروپای شرقی و بوسنی، در لبنان و عراق به‌طور جدی فعالیت می‌کنند. خیلی فعال شده‌اند و دارند با شعار جامعه باز و دموکراتیک منافع آمریکایی‌ها را دنبال می‌کنند و از طریق مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، تورهای گردشگری، کلاس‌های موقت تابستانی و کارهای فرهنگی تلاش بسیار گسترده‌ای انجام می‌دهند تا در واقع مکمل تحقق مأموریت‌ها و اهداف آمریکایی‌ها باشند.

درباره اینکه این رویکرد تاریخی است یا نظامی؟ مستندات می‌گویند که من گفتم در واقع خیلی‌ها پیش از آنکه غربی‌ها گفته‌اند و منابع آن هم وجود دارد. بنده عرض کردم در قرن دهم، شیعه یک حکومت کامل داشت. در بحث هند و پاکستان، شامات، ایران، کل منطقه خلیج فارس و حتی در بحث یمن، یک قدرت فائمه بود. حتی غربی‌ها هم از آن اسم می‌برند. آقای توال تنها مقطعی که اقلیت‌ها را از حقوق کامل برخوردار دانسته زمان حاکمیت شیعیان است و ظاهراً همین دلیل باعث شد که وهابیت از طریق انگلیسی‌ها بنا نهاده شود و بعد هم هر کجا شیعه کمی تحرک داشته خیلی سریع در مقابلش ایستاده‌اند. اولین بار که وهابیون به عراق آمدند، روز عید غدیر بود - مطابق تاریخ موجود - که مردم عراق براساس عادت ایام عید غدیر در حرم امام علی(ع) تجمع می‌کنند، آنها حرم و کتاب‌های آنرا آتش زدند، ۵ یا ۶ هزار نفر را کشتند و بعد رفتند. چند بار دیگر هم به عراق حمله کردند. بعد هم انگلیسی‌ها از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۲م. که در عراق حضور داشتند خیلی از حکام عراق را از همین افراد از خانواده‌های سعودی انتخاب کردند؛ و جالب آنکه در تمام مقاطع از شیعیان، افراد شاخص را در حکومت پیدا نمی‌کنید. اگر هم بودند مثل دوران بعثی‌ها، واقعاً از این اعتقادات شیعی جدا شدند و رفتند. در زمان صدام یک «سعدالحمادی» در حکومت بود که ظاهراً شیعه بود؛ اما او هم در واقع بدتر از سنی‌ها بود. هر کدام از اینها آن طرف که می‌رفتند نقششان را بدتر از سنی‌ها ایفا می‌کردند تا خودشان را وفادار به حکومت نشان دهند. این یک واقعیتی است، در مقطعی که من عرض کردم از زمان عباسیان و از زمان مغول‌ها و ناسیونالیست‌ها و کمونیست‌ها، همیشه یکی از اهداف اصلی در عراق نابودی شیعه بوده چون سنی‌ها با داشتن یک اقلیت حدود ۲۰ درصدی حکومت می‌کردند.

در دوره قبل، پرستاری در موصل حقوقش مثلاً ۳۰۰ دلار بود. درحالی که یک پرستار در کربلا ۱۰۰ دلار حقوق می‌گرفت و کاملاً متفاوت بود. بین اینکه شیعه است یا سنی فرق بود و با اینکه حکومت دیکتاتوری کاملاً در همه جا نفوذ داشت، ولی هیچ‌گاه به شیعیان اعتماد نمی‌کرد و این نگرانی در او بود.

طبیعتاً همه جای دنیا این وضعیت وجود دارد. در سوریه که حدود ۱۷ درصد علوی حاکم‌اند، دیکتاتوری نیست؟ یا در ترکیه‌ای که لائیک‌ها حاکم بودند، دیکتاتوری وجود نداشت؟ هرکجا اقلیت حاکم است باید دیکتاتوری باشد و گرنه نمی‌تواند شرایط خود را حفظ کند و اینها هم برای اینکه نگران بودند از ارتباط شیعیان منطقه، یک اقلیتی را حاکم کردند؛ وقتی به واقعیت‌های تاریخ نگاه کنیم در تمام مقاطع مهم تاریخ، همیشه شیعه در فشار و ستم بوده و این واقعیت‌های صحنه عراق است. هم‌اکنون که آمریکایی‌ها آمده‌اند، حاضر نیستند به معارضان عراقی که چند سال جنگیده‌اند حقی بدهند؛ معارضان آمریکایی‌ها نمی‌خواستند سپاه بدر به عراق برود. اینها که عراقی هستند و چند سال با صدام جنگیدند، چرا جلوی آنان را می‌گیرند؟ خیلی از علمای عراقی هنگامی که می‌خواستند به عراق برگردند آمریکایی‌ها نگران بودند. خیلی از عراقی‌ها را هنوز به عراق راه نمی‌دهند، چون شیعه‌اند درحالی که با صدام مبارزه کرده‌اند و با آمریکا هم مشکلی ندارند. آنها عمق قضیه را می‌دانند. اگر آن ارتباط عمیق بین دو ملت برقرار شود، برای آنها یک تهدید منطقه‌ای است. این صحبت‌های «فرانسوا توال» است صحبت‌های من نیست. چون او می‌گوید اگر شیعیان حاکم شوند با ذخایر و منابعی که هست و حضور جغرافیایی و دیدگاه‌هایی که دارند می‌توانند خطری جدی باشند و او این توصیه‌ها را به غرب می‌کند که مراقب باشند. حال شاید در خیلی از مقاطع تاریخ، شیعه در اقتدار هم بوده باشد ولی همیشه این نگرانی

وجود داشته است. برای مثال در زمان حاکمیت پهلوی در ایران یک اقلیت بهایی را تقریباً در کشور ما محور حکومت کردند تا حکومت ایران مدافع حکومت اسرائیل باشد. شما دیدید پهلوی قوی‌ترین مدافع و پایگاه اسرائیل بود.

درباره کارهایی که می‌شود انجام داد تا زمینه تعاملات مثبت فرهنگی فراهم شود، نکته‌ای مطرح می‌کنم؛ ما اول بایستی اشتراک‌های فرهنگی را بیش از حد سطحی، بررسی کنیم. دوم اینکه همکاری‌های فرهنگی جدا از اوضاع سیاسی صورت گیرد. این به معنای جدایی دین و فرهنگ از سیاست نیست. ولی این همکاری‌ها باید طوری برنامه‌ریزی شود که همچنان اوضاع سیاسی بر ارتباط‌های دینی اثر نکند. براساس وضع موجود، ارتباط‌های فرهنگی طوری طراحی شود که این ارتباط‌ها عمیق، دائمی و اصیل باشد و بین دو کشور نتوان به هیچ شکلی فاصله انداخت. می‌بایست با فرهنگیان، استادان و نخبگان فرهنگی و همه طوایف عراقی از جمله شیعه، سنی و کرد مرتبط شد تا احیای مناسبات فرهنگی صورت گیرد.



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
مستاد دانشگاه شهید بهشتی

تهران، خیابان ولی عصر (ع)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۲-۱۲۱۵۵ تلفن: ۴-۲۲۱۲-۸۱۹

www.riac.ac.ir